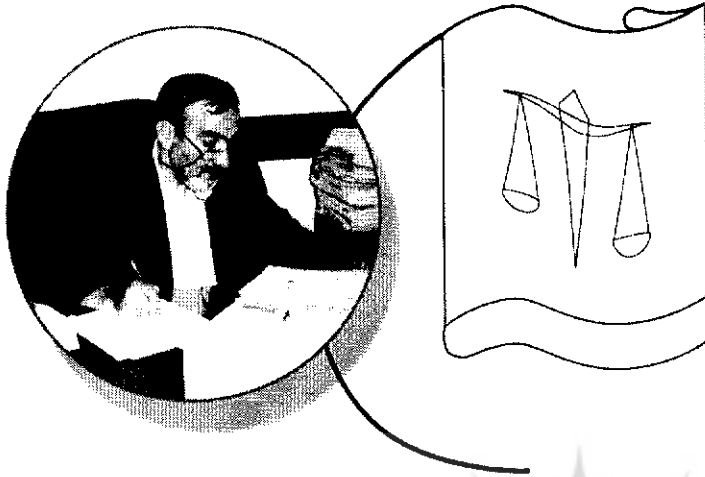


# شرح و تفسیر موادی از قانون مجازات اسلامی

قسمت بیست و هشتم

محمّدعلی افّوت

(عضو معاون دیوان عالی کشور)



**بخش دوم: مستی به عنوان عامل رافع  
مسئولیت در حقوق ایران**

همان گونه که روش نوشتار در این رشته مقالات بوده است، بررسی پدیده مستی در حقوق ایران ابتدا در قوانین سابق و سپس در قانون مجازات اسلامی طی دو مبحث انجام می گیرد.

**مبحث یکم، مستی در حقوق سابق ایران:** هرچند در رژیم سابق، شرب خمر جرم محسوب نمی شد، اما قانونگذار اولاً؛ برای پیشگیری از وقوع جرایم ناشی از مستی و ثانیاً؛ برای تشدید مجازات مرتکبین مست، مقررات ویژه ای تصویب کرده بود.

۱ - به موجب بند (۱) ماده (۲۷۵) قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴، تظاهر به استعمال مشروب الکلی جرم و مرتکب به مجازات سه تا شش ماه حبس محکوم می شد؛ و به موجب بند (۲) همان ماده، پیاله فروشی<sup>(۱)</sup> برای استعمال مشروبات الکلی جرم و مجازات شش ماه تا سه سال حبس را در پی داشت. علاوه بر این موارد، به موجب ماده (۱) آیین نامه امور خلافی و بند "۹" ماده

مزبور، کسانی که در شوارع و معابر عمومی عربده بکشند و یا تظاهرات مستانه نمایند، به دو تا پنج روز حبس تکدیوری<sup>(۲)</sup> محکوم می شوند.

۲ - درباره جرایم قتل و ایراد صدمات بدنی غیر عمدی بر اثر بی احتیاطی در امر رانندگی در حال مستی، مجازات راننده مست در صورت قتل، از دو تا پنج سال حبس جنایی، پرداخت غرامت از ده تا پنجاه هزار ریال و محرومیت از رانندگی<sup>(۳)</sup> پنج تا ده سال بود و به همین ترتیب، مجازات ایراد صدمات بدنی غیر عمدی وفق ماده (۱۱) همان قانون، حداکثر کیفر پیش بینی شده در مواد (۳) تا (۵) تعیین شده بود.

مقررات مربوط به علل رافعه مسئولیت در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲، در مواد (۳۷) و (۳۸) آمده است. (۳) باتوجه به این مواد، مستی به عنوان رافع مسئولیت تنها در دو مورد است.

الف: مستی ناشی از تهدید و اجبار غیر قابل تحمل برای شرب مسکر یا استعمال مواد مخدر یا تحت تأثیر قرار دادن شخص برخلاف

میلش به نحوی که منجر به اختلال تام یا نسبی شعور شود. در صورت اختلال تام، رافع مسئولیت است و وضع چنین شخصی همانند مجنون است<sup>(۴)</sup> و مقررات مربوط به مجنون در موردش اعمال می گردد.

ب - اشتباه متهم در شناخت ماده مست کننده (شبهه موضوعی) که در صورت اختلال تام، رافع مسئولیت است و حالت او همانند مجنون است و مقررات مربوط به جنون در موردش رعایت می شود، و در مورد کسانی که با اراده آزاد الکل یا مواد مخدر مصرف کرده اند، چنانچه بر اثر آن مرتکب جرم شوند، قانوناً مسئول بودند؛ هرچند استفاده از این مواد منجر به اختلال تام شعور می شد. در واقع نظر قانونگذار، قبول مسئولیت برای کسی بود که آزادانه مبادرت به استعمال و صرف مواد سکرآور کرده و مرتکب جرم می شد. با این حال، به موجب قانون، مجازات او را در صورت اختلال تا دو درجه و در صورت اختلال نسبی شعور یا اراده، یک درجه تخفیف داده می شود.

ج - اشتباه متهم در شناخت ماده مست کننده منجر به اختلال نسبی شعور یا اراده،

مشمول تخفیف مجازات تا یک درجه است. علاوه بر مقررات مربوط به جرایم قتل و ضرب و جرح بر اثر بی احتیاطی که ذکر آن رفت، در صورتی که ارتکاب جرم یا جرایم به نحوی باشد که مرتکب برای ارتکاب آنها مشروب الکلی و یا مواد مخدر استفاده کرده باشد، به حداکثر مجازات قانونی محکوم می شود. مطلبی که در اینجا قابل ذکر است اینکه، برخلاف قانون مجازات اسلامی، علاوه بر مشروبات الکلی، قانونگذار سال ۱۳۵۲، بی اختیاری ناشی از مصرف مواد مخدر و نظایر آن (مانند قرصهای خواب آور و مواد روان گردان) را مشمول مقررات یکسانی قرار داده است.

#### مبحث دوم، مستی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰:

باتوجه به اینکه به موجب اصل چهارم قانون اساسی، کلیه قوانین و مقررات در جمهوری اسلامی می بایست مطابق موازین اسلامی باشد. برای اینکه مبنای نگرش قانونگذار را در ارتباط با پدیده مستی به عنوان عامل رافع مسئولیت بازشناسیم، اشاره مختصری به نظرات فقهای اسلامی در این خصوص می تواند راه گشا باشد. همان طور که می دانیم، شرب مسکرات براساس کتاب و سنت اسلامی ممنوع اعلام شده و مجازات شارب مسکر حد شرب خمر است. با این حال در کلام فقها، مستی به عنوان عامل رافع مسئولیت شناخته شده است و این موضوع به طور عمده در جرایم مستوجب قصاص مورد بحث قرار گرفته است.

۱ - مرحوم صاحب جواهر فرموده است: «در ثبوت قصاص بر شخصی که به اختیار خویش خود را مست کرده (و مرتکب قتل شده)، تردد و خلاف موجود است؛ اما شبهه به قواعد فقه، ثبوت قصاص است و این امر موافق

با نظر اکثر فقها می باشد» (۵)

۲ - آیت اله خوینی در مبانی تکمله می فرماید: «اگر قاتل مست باشد، آیا بر او قصاص است یا خیر؟ دو نظر است: مشهور قصاص را لازم دانسته اند و عده ای به عدم قصاص روی کرده اند و لیکن بعید نیست بگوییم، هر کس مسکر بنوشد به نحوی که این امر در معرض ارتکاب قتل باشد و بداند که مستی او نوعاً به قتل می انجامد، حکم او قصاص است و اگر چنین نباشد و قتل اتفاقی باشد، پرداخت دبه نفس به عهده اوست» (۶)

۳ - امام خمینی (ره) در تحریر الوسیله می فرماید: «در قصاص بر شخصی که به اختیار خویش خود را مست کرده و مستی موجب خروج او از عمد و اختیار شود تردد است و اقرب به احتیاط این است که در اینجا قصاص نیست. بلی، اگر شک در این باشد که عقل و اختیار از بین رفته است، شخص ملحق به عامد است و در تمام چیزهایی که عمد و اختیار را سلب می کند، همین حکم جاری است بنابراین، در استعمال بنگ و داروهای خواب آور نیز حکم چنین است و اما اگر مستی بدون ارتکاب گناه باشد مثل اینکه به اجبار مست شده و یا مستی بر اثر شبهه موضوعیه باشد، شکی در عدم قصاص نیست» (۷)

باتوجه به نظرات فوق، این امر حاصل می شود که همگی فقهای مذکور در اینکه سلب اختیار بر اثر مستی بدون اختیار، بر اثر اکراه یا اجبار از موانع مسئولیت کیفری است، اتفاق نظر دارند و در مورد قصاص در صورت مستی به اختیار، مرحوم صاحب جواهر آن را ثابت دانسته، مرحوم خوینی، نوعی سوء نیت احتمالی را مبنای صدور حکم به قصاص اعلام داشته و در واقع حکم کلی قتل در حکم عمد را بر آن جاری ساخته، و امام خمینی (ره)، احتیاط را در عدم قصاص دانسته اند.

شرب خمر در قانون مجازات اسلامی، در صورت اثبات، خود جرم جداگانه ای است که به پیروی از مقررات شرعی، مجازات حدی هشتاد ضربه شلاق را در پی دارد و احکام آن از ماده (۱۶۵) تا (۱۸۶) قانون مزبور آمده است.

به موجب ماده (۱۶۵)، خوردن مسکر موجب حد است، اعم از اینکه کم باشد یا زیاد، مست کند یا خیر، خالص یا مخلوط باشد به حدی که آن را از حد مسکر بودن خارج نسازد. علاوه بر مواد فوق، در موارد دیگری قانونگذار متعرض جرایم دیگری که می تواند با جرم شرب خمر در ارتباط باشد، شده است.

۱ - هر کس متجاهراً و به نحو علن در اماکن و معابر و مجامع عمومی مشروبات الکلی استعمال نماید، علاوه بر اجرای حد شرعی شرب خمر، به دو تا شش ماه حبس تعزیری محکوم می شود. (ماده ۷۰۱ قانون مجازات اسلامی)

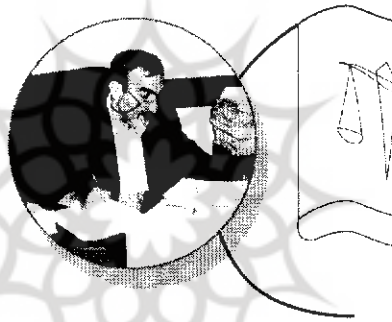
۲ - به موجب ماده (۷۰۲) قانون مجازات اسلامی، هر کس مشروبات الکلی را بخرد یا حمل کند یا نگهداری نماید، به سه تا شش ماه حبس و یا تا هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم می شود.

۳ - به موجب ماده (۷۰۳) قانون مجازات اسلامی، ساختن، فروش، در معرض فروش قرار دادن، وارد کردن از خارج، در اختیار دیگری قرار دادن مشروب الکلی، مجازات سه ماه تا یک سال حبس و تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال جزای نقدی با یک یا دو مورد از مجازاتهای فوق را در پی دارد.

۴ - به موجب ماده (۷۱۰) قانون مزبور، قبول خدمت در محل های آماده برای صرف مشروبات الکلی، مجازات مباشر دایرکننده محل برای شرب خمر را در پی دارد و مجازات

می‌شود:

الف) در صورت سلب قصد از مرتکب بر اثر شرب خمر، دفاع مستی در دادگاه قابل استماع است. بنابراین، اگر کسی یا صرف مشروب الکلی به کلی مسلوب‌الاراده شود به نحوی که قصد ارتکاب جرم از بین برود، به لحاظ فقدان عنصر معنوی قابل تعقیب نیست و وضع او مانند مجنون است که مسئول اعمال مجرمانه خود نمی‌باشد.<sup>(۸)</sup> با این شرط که برای ارتکاب جرم، مشروب صرف نکرده باشد.



ب) مرتکب، برای انجام جرم مشروب الکلی صرف کرده است و مرتکب جرم شده است. در این صورت، علاوه بر اینکه به مجازات شرب خمر (حد مسکر) محکوم می‌شود، بلکه به مجازات جرم ارتكابی نیز محکوم می‌شود. از محتوای عبارت مواد اشاره شده چنین به دست می‌آید که لازم نیست متهم برای ارتکاب جرم خاصی مثلاً قتل، خود را مست کرده باشد و مطلق شرب خمر برای ارتکاب جرم به هر نتیجه‌ای منجر شود مجازات دوگانه را در پی دارد. مانند اینکه کسی برای ایجاد تهور لازم در خویش به قصد ایراد ضرب و جرح مبادرت به شرب خمر کند و مرتکب جرم قتل شود، مجازات قتل و شرب خمر را با احراز شرایط تحمل خواهد کرد.

مباشر، یعنی کسی که محلی برای شرب خمر دایر کرده یا مردم را به آنجا دعوت کند، سه ماه تا دو سال حبس و هفتاد و چهار ضربه شلاق و یا از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی و یا هر دو مجازات است و اگر مرتکب هر دو مورد (دایر کردن محل و دعوت مردم) را انجام دهد، به حداکثر مجازات محکوم می‌شود. (ماده ۷۰۴)

۵- به موجب ماده (۷۱۱)، در صورتی که ضابطین دادگستری یا سایر مأمورین صلاحیتدار، از وجود اماکن موضوع ماده (۷۰۴) مطلع بوده و به مقامات ذیصلاح اطلاع ندهند یا برخلاف واقع گزارش کنند، به مجازات سه تا شش ماه حبس یا تا هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم می‌شوند.

اما آنچه در این مقاله مورد بحث ماست، مستی به عنوان علت رافع مسئولیت جزایی می‌باشد. در قانون مجازات اسلامی در ارتباط با این موضوع، دو ماده قابل ذکر است که به بیان و تفسیر این دو ماده می‌پردازیم:

به موجب ماده (۵۳): «اگر کسی بر اثر شرب خمر، مسلوب‌الاراده شده لکن ثابت شود که شرب خمر به منظور ارتکاب جرم بوده است، مجرم علاوه بر مجازات استعمال خمر، به مجازات جرمی که مرتکب شده است نیز محکوم خواهد شد.»

و به موجب ماده (۳۲۴) در باب قتل: «قتل در حال مستی موجب قصاص است، مگر اینکه ثابت شود که در اثر مستی به کلی مسلوب‌الاختیار بوده و قصد از او سلب شده است و قبلاً برای چنین عملی خود را مست نکرده باشد، در صورتی که اقدام وی موجب اخلال در نظم جامعه یا خوف شده یا بیم تجری مرتکب با دیگران برود موجب حبس تعزیری از سه تا ده سال خواهد بود.»  
با تلفیق دو ماده فوق، نتایج زیر حاصل

طرح یک سؤال: در اینجا یک سؤال پیش می‌آید، که با توجه به اینکه راه اثبات شرب خمر وفق مواد (۱۴۸) و (۱۷۰) قانون مجازات اسلامی، با دویار اقرار نزد حاکم و شهادت دو شاهد عادل و رعایت سایر مقررات مندرج در مواد (۱۶۶) تا (۱۷۵) می‌باشد، اگر قانوناً شرب خمر ثابت نشد، اجرا و اعمال ماده (۵۳) قانون مجازات اسلامی چگونه خواهد بود؟ فرض کنیم، کسی بر اثر مستی مرتکب جرم شده است، آیا صرف سلب اراده ناشی از استعمال اختیاری الکل (خمر)، مؤید شرب خمر و مستوجب حد است یا اینکه باید ابتدا شرب خمر ثابت شود تا بتوان هر دو مجازات را در موردش اعمال کرد؟ به عبارت دیگر، آیا مادّین مزبور، ملازمه با اثبات شرب خمر دارد یا خیر؟

اصولاً جرایم حدی دارای ادله اثبات مخصوص به خود هستند و در هر مورد خاص ممکن است پاسخ متفاوت بامورد دیگر باشد.

فرض کنیم شخصی یک بار اقرار به شرب خمر کند، آزمایش خون نیز وجود الکل در خون را ثابت نماید و بر اثر مستی ناشی از شرب مسکر مرتکب جرم شود. شرب خمر ثابت نیست؛ زیرا به موجب ماده (۱۶۸) قانون مجازات اسلامی، هر کس دو بار اقرار کند که شراب خورده است محکوم به حد می‌شود.

این شخص تنها به مجازات جرم ارتكابی محکوم می‌شود و ماده (۵۳) قانون مجازات اسلامی را باید در این حد تفسیر کرد. در واقع، نفس ماده (۵۳)، مثبت شرب خمر موجب حد نیست. (۹) کما اینکه ممکن است استعمال مواد پسرآور از طریق شرب آن نباشد، بلکه به طریق دیگر مانند تزریق و غیر آن انجام شود، که حد شرب خمر ثابت نمی‌شود.

اوضاع و احوال می‌تواند مجازات را در مورد اختلال تام تا دو درجه و در مورد اختلال نسبی تا یک درجه تخفیف دهد، بدون اینکه از حداقل مجازات جنه‌ای کمتر باشد مگر اینکه در قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد.»

ماده (۳۸): «کسی که بر اثر اجبار یا تهدیدی که عادتاً قابل تحمل نباشد، مبادرت به استعمال مواد مذکور در ماده قبیل کرده یا او را بر خلاف میل خود تحت تأثیر آنها قرار داده باشد، به نحوی که هنگام ارتکاب جرم حالت اشخاص مشمول بندهای «الف» یا «ب» ماده (۳۶) را پیدا کند، حسب مورد طبق بندهای مذکور با او رفتار خواهد شد.»

تبصره - «شخصی که بر اثر اشتباه در خاصیت یا نوع مواد مذکور در ماده (۳۷)، مبادرت به استعمال آنها نموده باشد مشمول مقررات مندرج در این ماده می‌باشد.»

۴ - ر.ک، به مقاله جنون، مندرج در شماره ۳۵، مجله دادرسی.

۵ - جواهرالکلام، کتاب فروعی اسلامی، جلد ۴۱، ص ۱۷۵، تهران، ۱۳۹۹ ه.ق.

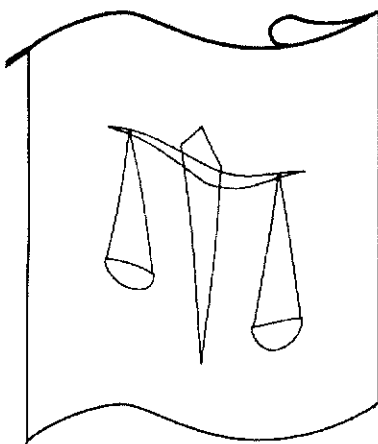
۶ - مبانی تکملة المنهاج، مرحوم آية الله خویی، جلد دوم، مسئله ۸۷، ص ۸۰، چاپ نجف.

۷ - تحریر الوسیله: جلد دوم، مسئله ششم از شرایط قصاص، ص ۵۲۳، چاپ نجف.

۸ - رجوع شود به مقاله جنون، در شماره ۳۵ همین نشریه.

۹ - مگر اینکه قاضی به شرب خمر علم پیدا کند و بر اساس علم خویش به اجرای حد شرب خمر حکم صادر کند.

۱۰ - ماده (۶۱۲) قانون مجازات اسلامی: «هر کس مرتکب قتل عمد شود و شاکي نداشته یا شاکي داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد و یا به هر علت قصاص نشود، در صورتی که اقدام وی موجب اختلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد، دادگاه مرتکب را به سه تا ده سال حبس محکوم می‌نماید.»



گردد.

در اینکه آیا این مقررہ اصولاً شدید محسوب می‌شود یا خیر، تردید وجود دارد. توضیح اینکه، برخی معتقدند قاضی برای تشدید باید علاوه بر حداکثر مجازات قانونی بزه‌های فوق، دو سوم بیفزاید و برخی بر این نظرند که منظور قانونگذار از حداکثر مجازات است. برای مثال، مجازات قتل غیر عمدی از نظر حبس طبق ماده (۷۱۴) تا سه سال حبس است. با توجه به نظر اول، باید متهم را به تحمل پنج سال حبس محکوم کرد و در صورت قبول نظر دوم، متهم را به کمتر از دو سال و بیش از سه سال حبس نمی‌توان محکوم کرد. اغلب دادگاهها نظر اخیر را پذیرفته‌اند. به هر حال، چنین به نظر می‌رسد که مقررہ ماده (۷۱۸)، در بیان تشدید مجازات است. و باز جای سئوالی که قبلاً مطرح شد در اینجا نیز باقی است که آیا صرف رانندگی در حال مستی موجب ارتکاب جرم غیر عمدی مثبت حد شرب خمر نیز هست یا خیر؟ که در صفحات قبل مورد بررسی قرار گرفت.

### ادامه دارد

### پی‌نوشت‌ها:

۱ - منظور از بیاله فروشی در قانون، این است که فروشنده مشروب الکلی، مشروب را خارج از بطری برای فروش عرضه کند. برخی افراد دائم الخمر با مراجعه به رستورانها مبادرت به خرید مشروب الکلی خارج از بطری او مصرف در همان محل می‌کردند که بعضاً عواقب مجرمانه در پی داشت.

۲ - حبس سه تا ده روز که در امور خلافی مورد حکم قرار می‌گرفت و بعدها تبدیل به جزای نقدی تا پنج هزار ریال گردید.

۳ - ماده (۳۷): «مستی حاصل بر اثر استعمال اختیاری مواد الکلی و مخدر یا نظایر آنها به طور کلی رافع مسئولیت جزایی نیست و اگر ثابت شود استعمال موارد مذکور به منظور ارتکاب جرم بوده مرتکب به حداکثر مجازات محکوم می‌گردد.

تبصره - هرگاه استعمال مواد مذکور، ارتکاب جرم نبوده و موجب اختلال تام یا نسبی شعور یا قوه تمیز یا اراده مرتکب در حین ارتکاب جرم شده باشد، دادگاه حسب مورد و اقتضای

ج) عبارت «... اقدام وی موجب اختلال در نظم جامعه یا خوف شده...»، مندرج در ماده (۲۲۴)، مربوط به بزه قتل است، نه شرب مسکر. بنابراین، در صورت وقوع بزه قتل در حال مستی ناشی از مصرف اختیاری مواد الکلی و عدم قصاص، مجازات تعزیری سه تا ده سال حبس را قانونگذار برای مرتکب قتل در نظر گرفته است. حکم این قسمت ماده همانند مقررہ مندرج در مواد (۲۰۸) و (۶۱۲) قانون مجازات اسلامی است؛ زیرا شرب مسکر بانجا هر به استعمال الکلی، خود جرم جداگانه‌ای است که ذکر آن رفت (۱۰).

د) با توجه به ماده (۲۲۴) و نظریه فقها به شرح مندرج در صفحات قبل، به نظر می‌رسد در مورد بزه قتل، قانونگذار به نظریه مشهور فقهای امامیه التفات داشته است.

ه) برخلاف قانونگذار سال ۱۳۵۲، که مسمومیت به وسیله مواد مخدر و نظایر آن را مشمول حکم مستی بر اثر شرب خمر دانسته بود، قانونگذار جمهوری اسلامی، در این قسمت سکوت کرده است. بنابراین مشخص نیست اگر کسی بر اثر استعمال مواد افیونی یا داروهای روانگردان، مسلوب‌الاراده شده و مرتکب جرم شود می‌تواند از دفاع مستی استفاده کند یا خیر؟ همان‌طور که گفتیم، امام خمینی (ره)، سلب اراده بر اثر این مواد را ملحق به حکم مستی می‌دانند. در این باره رفع نقصان ماده لازم به نظر می‌رسد.

**تشدید مجازات:** به موجب ماده (۷۱۸) قانون مجازات اسلامی، مجازات راننده وسایط نقلیه موتوری که بر اثر بی احتیاطی در امر رانندگی در حالت مستی موجب قتل، ضرب و جرح غیر عمدی شود، بیش از دو سوم حداکثر مجازات تعیین شده برای جرایم مزبور خواهد بود. به علاوه، راننده ممکن است به مدت یک تا پنج سال از حق رانندگی محروم